

Lived Experience of Women From Their Life and Their Children's Life After Divorce

Mahya Yarigarravesh *

PhD in Psychology, Al-Zahra University,
Tehran, Iran

Abstract


Divorce brings many harms. Separation of couples and the breakdown of marriage are accompanied by feelings of failure, distress, sadness, ambiguity and confusion in life, lifestyle changes and, most likely, psychological disorders. Women play a pivotal role in society. When a woman separates from her husband, many psychological and social harms are inflicted on her and their children. In the present study, the attitudes of divorced women toward the separation process, their lives and those of their children, and their future were studied qualitatively and phenomenologically. The study sample consisted of 15 women who had children and were separated from their husbands. The research tool was a semi-structured interview and thematic analysis method was used to analyze the information obtained from the research. After coding and analyzing the information obtained from the interviews with the participants of the four main themes, 12 sub-themes along with 97 concepts of information analysis were obtained. The results showed that problems before and during marriage are the most important factors in the separation and financial problems and the issue of meeting the father are among the other problems after the mother separates from the wife. Other information obtained from the present study is that using the advice of counselors to reduce post-divorce injuries is also beneficial for mother and child.

Keywords: Divorce, Life, Child, Spouse.

* Corresponding Author: mahyayarigar@yahoo.com

How to Cite: Yarigarravesh, M. (2022). Lived Experience of Women From Their Life and Their Children's Life After Divorce, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 13(50), 253-274.

تجربه زیسته زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق

محیا یاریگرویش *  دکتری روانشناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

طلاق آسیب‌های فراوانی را با خود به همراه دارد. جدایی زوجین و فروپاشی ازدواج همراه با احساس ناکامی، پریشانی، غم و غصه، ابهام و سردرگمی در زندگی، تغییر سبک زندگی و به احتمال زیاد ابتلا به اختلالات روان‌شناختی می‌باشد. زنان، نقش محوری و برجسته‌ای در جامعه ایفا می‌کنند. زمانی که زنی از همسر خود جدا می‌شود آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوانی معطوف او و فرزندانشان می‌باشد. در پژوهش حاضر نگرش زنان مطلقه نسبت به فرآیند جدایی، زندگی خود و فرزندانشان و آینده ایشان به طور کیفی و به شیوه پدیدارشناسی مورد مطالعه قرار گرفت. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۵ نفر از زنانی بود که فرزند داشته و از همسر خود جدا شده بودند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده و از روش تحلیل تماتیک (مضمون) برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از پژوهش استفاده شد. پس از کدگذاری و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه با شرکت کنندگان چهار مضمون اصلی، ۱۲ مضمون فرعی به همراه ۹۷ مفهوم از تحلیل اطلاعات به دست آمد. نتایج پژوهش نشان داد که مشکلات قبل و حین ازدواج مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز جدایی بوده و مشکلات مالی و مسئله دیدار فرزند با پدر از دیگر مشکلات پس از جدایی مادر از همسر می‌باشد. از جمله اطلاعات دیگر به دست آمده از پژوهش حاضر این است که استفاده از توصیه‌های مشاوران مجرب برای کاهش آسیب‌های پس از طلاق برای مادر و فرزند نیز مفید می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فرزند، همسر، طلاق، زندگی.

مقدمه

زن و مرد تشکیل دهنده بنیان خانواده می‌باشند. سازش و تفاهم از ضروریات یک ازدواج سالم می‌باشد. ازدواج با عشق و علاقه زن و مرد شکل می‌گیرد. زمانی که زوجین نمی‌توانند در خصوص برخی مسائل زندگی با یکدیگر به تفاهم برسند مشکلات و نارضایتی‌هایی ایجاد می‌شود. در پی مشکلاتی که ایجاد می‌شود زمانی که اختلاف و عدم سازش افزایش پیدا می‌کند ممکن است زوجین به این نتیجه برسند که ادامه زندگی برایشان مقدور نیست، در نتیجه از هم جدا شده یا به عبارتی طلاق اتفاق می‌افتد. طلاق به پایان یافتن یک ازدواج قانونی که خود نیز به شکل قانونی انجام می‌شود اشاره دارد. اغلب دانشمندان اعتقاد دارند که طلاق دردناک‌ترین و آسیب‌زننده‌ترین رویداد برای خانواده‌های درگیر با آن است. امروزه پدیده طلاق در سطح دنیا روبه فزونی است و در کشور ما نیز میزان آن طی سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است (غلامی، رشید و یار محمدی، ۱۳۹۹). با وقوع طلاق بنیان خانواده از هم فرومی‌پاشد. متفکران و جامعه‌شناسان طلاق را یکی از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آورند. جدایی برای اعضای خانواده یک عامل استرس‌زای بسیار قوی است که هم سلامت روان والدین و هم سلامت روان فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها را به شدت کاهش می‌دهد (غلامی و همکاران، ۱۳۹۸؛ جم، معارف وند، حسین زاده و خوب‌چندانی، ۲۰۲۱). طلاق پدیده‌ای است که در بسیاری از جوامع از جمله ایران رو به افزایش است و در اغلب موارد برای اعضای خانواده منجر به آسیب و معضلات فراوان، به‌ویژه برای فرزندان می‌شود (حامد و ذکایی، ۱۳۹۹). عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش طلاق هستند. انگیزه نامناسب برای ازدواج، عدم شناخت کافی پیش از ازدواج، عدم آگاهی لازم برای ازدواج، عدم وجود معیارهای صحیح در انتخاب همسر، روابط متعدد شکست‌خورده قبل از ازدواج از جمله عوامل روان‌شناختی مؤثر بر طلاق قبل از ازدواج می‌باشد (تقوی دینانی، باقری و خلعتبری، ۱۳۹۹؛ اسکندری نژاد و فتحی آشتیانی، ۱۴۰۰).

طلاق برای زنان اثرات تخریب‌کننده‌تر بیشتری نسبت به مردان دارد. احساس تنهایی و انزوا، ابتلا به اختلالات روان‌شناختی مانند اضطراب، افسردگی، مشکلات مالی ناشی از مسائلی چون نان‌آور خانواده بودن، نگاه منفی اطرافیان، محدود شدن ارتباطات با دوستان و آشنایان، از جمله آسیب‌های طلاق برای زنان می‌باشد؛ همچنین طلاق برای فرزندان نیز آسیب‌هایی به همراه دارد (لیئوید، سیلر و کارنی^۱، ۲۰۱۴، پارکر، دوران و هسلتون^۲، ۲۰۲۱). افسردگی، اضطراب جدایی، مشکلات تغذیه، مشکلات خواب، انزوایی، ناسازگاری، پرخاشگری، افت عملکرد تحصیلی، مشکلات رفتاری، مشکلات با همسالان و مشکلات اضطرابی از جمله آسیب‌های طلاق برای فرزندان می‌باشد (سان و ژاو^۳، ۲۰۱۶). عدم فهم و ادراک جدا زندگی کردن والدین، بهداشت روانی پایین‌تر و استفاده بیشتر از شیوه مقابله هیجانی و اجتنابی، پرخاشگری بیشتر، ترس کودک از طردشدگی، تغییرات در شرایط زندگی، خجالت، احساس گناه، نگرانی در رابطه با جدایی‌های بعدی و ترس ماندگار از مشکل ناشناخته و اعتمادبه‌نفس پایین از اضطراب کودک نشات می‌گیرد (لرد^۴، ۲۰۱۵، یحیی زاده و حامد، ۲۰۱۵). کودکان خانواده‌های تک‌والد که تنها به‌وسیله مادر اداره می‌شوند استرس روانی، مشکلات شخصیتی، مشکلات مدرسه، پرخاشگری و عدم سازگاری با گروه هم‌سن را در مقایسه با سایر کودکان بیشتر تجربه می‌کنند (مهی^۵، ۲۰۱۵).

فرزندپروری پس از طلاق نیز از جمله عواملی است که در سلامت روان‌شناختی فرزندان مؤثر است؛ این که کودک نزد کدام یک از والدین زندگی کند، آیا محل زندگی او بعد از طلاق تغییر می‌کند یا نه و این که وضعیت مالی و تحصیلی زندگی او چگونه خواهد بود نیز بر سازگاری کودک پس از طلاق مؤثر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد

-
1. Lloyd GM, Sailor JL, & Carney W
 2. Parker, G. Durante, K. M. Hill, S. E. & Haselton, M. G
 3. Sun, & A, Zhao, Y
 4. Laird, J
 5. Mohi G

آسیب‌های فرزندان خانواده‌های طلاق در حوزه‌های عملکرد فردی) تحصیلی، شناختی، عاطفی، هیجانی)، میان فردی و خانوادگی نمود پیدا می‌کند (کاویان، خجسته کاشانی و تهامی، ۱۳۹۵).

معلق بودگی رانشی تجربه مشترک فرزندان طلاق در مقوله‌ای با عنوان قابل توصیف و تشریح است که ماحصل نابسامانی در فضای اجتماعی، خانواده بازسازی‌شده و سایر فضاهای زندگی فرد است و علی‌رغم به‌کارگیری استراتژی‌های انطباقی مختلف توسط کودک، در بسیاری از مواقع، کودک قادر به سازگار شدن با شرایط نیست و این امر پیامدهای اجتماعی و روانی زیادی را برای او به همراه دارد. والدین، فرزندپروری پس از طلاق را تکلیف چالش‌برانگیزی توصیف می‌کنند (حامد و ذکایی، ۱۳۹۹).

چگونگی ارتباط والدین، نیازهای فردی و منابع حمایتی آن‌ها پس از طلاق، می‌تواند نگرش و هیجانات والدین نسبت به فرزندپروری را تحت تأثیر قرار دهد. آسیب روانی، رشد و پختگی، از تجارب والدین در جریان فرزندپروری پس از طلاق می‌باشد (خجسته مهر، فلاحی خشک‌ناب، حجاری و سودانی، ۱۳۹۶؛ روغنجی، جزایری و اعتمادی، ۱۳۹۶).

در این پژوهش به مطالعه کیفی دیدگاه زنان نسبت به جدایی و زندگی فرزندانشان، تحصیل، آینده و سازگاری ایشان با طلاق و پیامدهای آن مانند پیامدهای اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی پرداخته می‌شود. تاکنون پژوهش‌هایی در مورد زندگی پس از جدایی زنان انجام شده است. تقوی دینانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش کیفی خود در رابطه با تجارب مردان و زنان طلاق گرفته به این نتیجه رسیدند که عوامل روان‌شناختی در قبل و بعد از طلاق در شکل‌گیری طلاق مؤثرند. اثر منفی طلاق بر شغل و ارتباط با خانواده، دوستان و فامیل نیز از جمله نتایج بود که خلج آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی تجارب زیسته زنان مطلقه شهر ساوه به دست آوردند. زارعی و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که طلاق یک مفهوم فرهنگ محور است و در هر جامعه به گونه متفاوتی درک می‌شود. عدم حمایت‌های اجتماعی، ناپذیر بودن فرهنگی پدیده طلاق از جمله آسیب‌های طلاق می‌باشد. همتی و کریمی (۱۳۹۷) در پژوهش خود در رابطه با

تجربه سرپرستی خانوار برای زنان مطلقه دریافتند که سرپرست خانوار بودن مسائل و مشکلات زنان مطلقه را تشدید می‌کند و آن‌ها را با چالش‌ها و دغدغه‌های بیشتری مواجه می‌سازد. انگک بیوگی، هراس اجتماعی، بی‌خانمانی و فقدان حمایت اجتماعی باعث ایجاد ناامنی برای زنان مطلقه می‌شود (حسینی، خزایی و غلامی، ۱۳۹۸؛ خیراللهی، جعفری قمری و باباخانی، ۱۳۹۸).

در کمتر پژوهشی به بررسی دیدگاه زنان نسبت به زندگی فرزندان طلاقشان پرداخته شده است. در پژوهش حاضر علاوه بر این که نگرش زنان مطلقه نسبت به زندگی خودشان و فرآیند طلاق مورد بررسی قرار می‌گیرد، دیدگاه آنان نسبت به اثرات طلاق روی فرزندان‌شان، آینده و زندگی آن‌ها و مشکلات پیش روی آن‌ها در رابطه با وضعیت فرزندان‌شان پس از جدایی و مشکلات فرزندان‌شان در جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر پژوهش حاضر به بررسی آسیب‌های طلاق بر مادر و فرزند می‌پردازد.

روش

روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع پارادایم تجربه زیسته بوده و به روش پدیدارشناسی انجام شده است. نمونه شامل ۱۵ نفر از زنان ۲۰-۴۰ سال بوده که از همسر خود جدا شده و حداقل دارای یک فرزند می‌باشند. سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان از دیپلم تا دکتری متغیر بود. برخی از آنان محصل (در مقطع کارشناسی ارشد) بوده برخی دارای مدرک دکتری برخی خانه‌دار و برخی صاحب مشاغل آزادی چون آرایشگری بودند. تمامی آن‌ها ساکن تهران بوده و محل سکونتشان در تمامی مناطق تهران پراکنده بود. همچنین شرکت‌کنندگان از وضع اقتصادی، اجتماعی مطلوبی برخوردار بودند. نمونه به شیوه غیر تصادفی و هدفمند از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان و کسب رضایت آن‌ها برای شرکت در پژوهش با آن‌ها مصاحبه انجام شد. مدت‌زمان مصاحبه حدود سی الی چهل و پنج دقیقه بود. نوع مصاحبه نیز نیمه ساختاریافته بوده است. پس از انجام مصاحبه متن آن به دقت نوشته و پیاده‌سازی می‌شد و سپس کدگذاری انجام می‌شد. سؤالات مصاحبه در رابطه با علت طلاق، نحوه زندگی خود

مادر و فرزند در حال حاضر و نوع نگرش زنان در رابطه با زندگی خود و فرزندانشان پرسیده شد. برای تحلیل متن مصاحبه از روش تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده شد. پس از هر مصاحبه تمامی متن آن به دقت توسط پژوهشگر یادداشت می‌شد تمامی کلمات و جملات به همراه مکث‌ها و دیگر حالات گفتاری شرکت‌کننده یادداشت می‌شد. سپس متن مذکور کدگذاری شد، یعنی به این نحو که به کوچک‌ترین واحد معنادار یک جمله مفهومی به شکل یک کد تعلق می‌گرفت، سپس مفاهیم شبیه به هم در دسته بزرگ‌تری به نام مقوله قرار می‌گرفت. پس از انجام ۱۲ مصاحبه، مفاهیم و مقوله‌های تکراری به دست آمده و یافته‌ها به مرز اشباع رسیدند. برای اطمینان حاصل کردن از به اشباع رسیدن یافته‌ها سه مصاحبه دیگر نیز با شرکت‌کنندگان انجام شد.

برای افزایش اعتبار درونی (روایی) داده‌ها پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی متن مصاحبه، از معیار باورپذیری^۱ استفاده شد. باورپذیری به معنای بازگرداندن داده‌ها به افراد برای تأیید می‌باشد (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر داده‌ها، رونوشت‌ها و تحلیل‌ها به ۱۴ نفر از شرکت‌کنندگانی که به آن‌ها امکان دسترسی مجدد وجود داشت بازگردانده شد که تمامی آن‌ها این داده‌ها را تأیید کردند. برای افزایش اعتبار درونی داده‌ها از معیار توافق‌پذیری^۲ نیز استفاده شد یعنی مفاهیم و مقولات استخراج شده توسط محقق، نزد او نگاه داشته شد و متن مصاحبه‌ها به ۴ پژوهشگر صاحب نظر برگردانده شد که کدگذاری‌ها توسط آن‌ها انجام گیرد تا شباهت مفاهیم و مقولات استخراج شده توسط محقق با مفاهیم و مقولات استخراج شده توسط پژوهشگران دیگر بررسی شود. پس از انجام کدگذاری محققان و مفاهیم و مقولات مستخرج توسط محقق وجود داشت که این گواه بر صحت داده‌ها است، همچنین معیار مقبولیت داده‌ها از طریق درگیری مداوم با موضوع و داده‌های پژوهش تعیین شد. لازم به ذکر است که پژوهشگر برای تعیین معیار قابلیت اعتماد^۳ به

-
1. Credibility
 2. Agreeableness
 3. Dependability

داده‌ها، تمامی رویدادها، تصمیمات و انتخاب‌های خود در مورد نظریه، روش‌ها و تحلیل‌ها را در یک دفترچه یادداشت ثبت کرده و از یک مسیر گام‌به‌گام برای نتیجه‌گیری از داده‌ها استفاده نموده است.

یافته‌ها

در این قسمت یافته‌های حاصل از تحلیل اطلاعات پژوهش ارائه می‌شود. پس از کدگذاری تمامی مصاحبه‌ها ۹۷ مفهوم (کد)، ۱۲ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی به‌دست آمد. عوامل بسترساز طلاق، آسیب‌های طلاق برای زنان، مشکلات طلاق برای فرزندان و عوامل حمایتی در برابر آثار منفی طلاق مانند استفاده از مشاوران مجرب از جمله مقوله‌های اصلی حاصل از کدگذاری می‌باشد.

خیانت همسر، عدم سازگاری زوجین و فقدان مهارت‌های زناشویی از جمله عوامل زمینه‌ساز طلاق می‌باشد. ارتباط کم پدر با فرزند پس از طلاق و مشکلات رفتاری کودکان از جمله آسیب‌های جدایی والدین برای فرزندان می‌باشد. مشکلات مالی و حس تنهایی نیز از جمله آسیب‌های جدایی برای مادران می‌باشد. استفاده از راهنمایی‌های مشاورین و حفظ ثبات در روال عادی زندگی کودک پس از جدایی نیز از عواملی هستند که آثار منفی پس از جدایی را برای مادران و فرزندان کاهش می‌دهد. در جدول شماره یک به ذکر مقولات اصلی و فرعی و برخی از مفاهیم به‌دست‌آمده پرداخته شده است، سپس با استفاده از نقل قول از خود شرکت‌کنندگان، به توضیح مقولات پرداخته خواهد شد.

جدول شماره ۱. مقوله‌های اصلی و فرعی، مفاهیم

مفاهیم (کدها)	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
ارتباط نامشروع با زنان	خیانت زناشویی	عوامل زمینه‌ساز طلاق
ازدواج موقت پنهانی		
ناسازگاری زوجین		
فقدان مهارت‌های اجتماعی	عدم تفاهم و ناسازگاری	
بی‌مسئولیتی مرد		
کنک زدن زن		
ناسازگاری با خانواده همسر	ازدواج ناآگاهانه	
اختلاف سطح فرهنگی خانواده‌ها		
عدم شناخت کافی از هم		
سن کم هنگام ازدواج		
ارتباط راحت‌تر با جنس مخالف در اینستاگرام	استفاده نادرست از شبکه‌های مجازی	آسیب‌های فردی
احساس تنهایی		
حس کمبود جنس مخالف	آسیب‌های اجتماعی	آسیب‌های طلاق بر زنان
فقدان حمایت مالی		
داغ‌ننگ (انگ بیوگی)		
حس ناامنی در جامعه		
محدود شدن ارتباط با آشنایان		
انزوای (گوشه‌گیری)	آسیب‌های روان‌شناختی	آسیب‌های طلاق بر فرزند
استرس		
اضطراب		
افسردگی		
لجبازی	آسیب‌های اجتماعی	عوامل حمایتی در برابر آسیب‌های طلاق
احساس کمبود پدر در جامعه		
ارتباط کم با پدر	ثبات در روال زندگی کودک	
ادامه زندگی در منزل فعلی		
عدم تغییر در سبک زندگی کودک		
دور بودن کودک از تنش	توجه به فواید طلاق	

مفاهیم (کدها)	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
زندگی زناشویی موفق در آینده		
ایجاد حس خوب در فرزند	شیوه‌های کاربردی مادران برای کاهش آسیب	
توضیح طلاق برای کودک متناسب با سن		
وجود افراد مشابه کودک در جامعه	نگرش مادران به طلاق در رابطه با فرزند	
امید به درک شرایط در آینده		

عوامل بستر ساز طلاق

خیانت

آزاده: متأسفانه ایشون چند سالی بود که به من خیانت می‌کرد و من چون خیلی بهش اعتماد می‌کردم سال آخر متوجه شدم و وقتی که دلیلش را می‌پرسیدم انکار می‌کرد.

شبکه‌های مجازی

فاطمه: با اون خانم در اینستاگرام آشنا شده بود، اون زن هم مثل خودش یکی بود که اصالت نداشت، دنبال زندگی لاکچری در فضای مجازی بود همسر من همین‌طور بود اول صیغه کرد اون خانم رو بعدی طوری بود که یک شب خونه ما یک شب خونه اون بود تا این که دیگه کلاً رفت پیش اون. چند ماه بعد هم از هم جدا شدیم.

عدم تفاهم

مهسا: از اول با هم نمی‌ساختیم عقاید مشترک نداشتیم این خیلی من را رنج می‌داد.

مهرناز: علت جدایی در درجه اول تفاوت فرهنگی بسیار زیاد بود، پایگاه اجتماعی ما متفاوت بود، به‌اضافه این که مهارت‌های زندگی را نه من نه ایشون هیچ‌کدام واقعاً بلد نبودیم. علی‌رغم تحصیلات عالی‌ای که ایشون داشت حالا به‌رحال من

هم تا حدی، ولی این کمکی نکرده بود به این که مهارت‌های اجتماعی را یاد بگیریم که این‌ها همه سبب شد به اون عدم توافقات و جدایی بیانجامد. مهم‌تر از همه این که در زمان ما هم مشاوران به این صورت نبودند که جا افتاده باشه در جامعه که آدم بخواد استفاده کنه و یا حداقل پذیرش این مسئله که میشه با یک نفر مشاوره کرد. اینا دلایل جدایی من بود.

انتخاب ناآگاهانه

ساناز: از همون اول هم اختلاف فرهنگی با هم داشتیم ما از یک خانواده فرهنگی و باسواد بودیم اونا خیلی درس خونده نبودن.

آرزو: خانواده شون با من هیچ رابطه‌ای نداشتند به اون صورت، من مثلاً می‌رفتم خانه‌شان آنچه را که وظیفه‌ام بود انجام می‌دادم اما مثلاً آن‌ها رابطه فامیل شوهری با من نداشتند. احترام ظاهری می‌گذاشتند فقط برای اینکه کار خودشان پیش بره آبروشون جلو فامیل نره از سر مجبوری یک سری کارها را می‌کردند.

آسیب‌های طلاق بر مادران

آسیب فردی

عسل: من دوست نداشتم از بچه‌هام جدا بشم. پدرشون بعد از شش، هفت سالگی آمد به زور قانون آن‌ها را گرفت و برد و نهایتاً من می‌تونستم برم آن‌ها را ببینم آن هم در یک شهر دیگر. خیلی آن موقع‌ها احساس تنهایی می‌کردم.

فیروزه: هرکاری هم کنی طلاق آسیب‌های خودش را همیشه داره مثلاً حس تنهایی. اینکه احساس کنی جنس مخالفی پشت نیست.

آسیب‌های اجتماعی

مشکلات مالی

مهسا: بچه‌ها خیلی نیاز دارند که سرشون گرم باشه، تفریحشون، این ور اون ور رفتنشون، هزینه هاشون فراهم باشه و خب یک نفری برآورده کردن همه این نیازها کار سختیه و اصلاً حس خوبی نیست وقتی ببینی در این زمینه خیلی موفق نیستی.

سارا: باباش اولش گفت بیشتر از اون مقداری که مقرر شده برای بزرگ کردنشون ماهیانه پرداخت می‌کنه. بعدش اصلاً همون مقدار مقرر شده را هم پرداخت نکرد.

داغ‌ننگ

رؤیا: من در همان خانه دارم زندگی می‌کنم در همان خونه قبلی زندگی می‌کنم که به نامم کرده بود، تک‌واحدی هستیم، امکانات هست، همسایه هامون خیلی خوبند. هنوز نمی‌دانند که ما جدا شدیم. این برای من خیلی مهمه تا این که یک مکان جدید برم بفهمند مطلقه هستم شاید هنوز این امنیت را نداشته باشم. هنوز نصف فامیل نمی‌دونن ما جدا شدیم چون جدایی ما در کرونا بود که خیلی‌ها دیگه با هم در رفت و آمد نبودند و نمی‌دانند.

حس ناامنی

الهه: پدر هستی گفت اگر می‌خوام هستی را داشته باشم، هستی نباید پیش من و شوهرم زندگی کنه به همین خاطر به من وکالت نداد، به پدر و مادر من وکالت داد. هفته‌ای ۲۴ ساعت هستی می‌تونه با من باشه ولی چون خونه ام نزدیک مامانم این هاست در طول روز بیشتر با همیم. قبل از این من سه ماه به سه ماه می‌تونستم برم بچه مو ببینم، همین الانشم پدرش گاهی یهو زنگ می‌زنه می‌گه من سر کوچه‌ام دارم می‌آیم هستی را ببینم (برای اینکه واقعاً بدونه هستی پیش من هست یا مامانم اینا).

آسیب‌های طلاق بر فرزند

آسیب‌های روان‌شناختی

آزاده: اختلافات ما خیلی روی مهراد اثر گذاشته بود بچه من لکنت گرفت، شب ادراری گرفت، هنوز هم داره، ی جورایی هم پرخاشگر و منزوی شده بود، لجباز شده بود ولی همه این‌ها خیلی بهتر از آینه که بچه در یک محیط پر از اختلاف بار بیاد.

الهه: هستی یک سالش بود که ما از هم جدا شدیم. چند سال بعد وقتی که هستی حدود سه سالش بودی سری آسیب‌ها دید مثلاً سه، چهار سالش بود جیشش را نمی‌گفت، صبح تا شب جیغ می‌زد، از پستونک جدا نمی‌شد. هستی الان ۱۱ سالشه. تشخیص روان‌پزشک این هست که یک نوجوان بیش‌فعاله.

آسیب‌های اجتماعی

عاطفه: پدرشون خیلی کم بهشون زنگ می‌زنه، هنوز نداشتم بفهمند چه اتفاقی افتاده همش بهشون میگم باباتون سر کاره؛ اما حقیقت آینه که پدرشون اونها رو ول کرده رفته.

آزاده: گاهی وقتی پدرهای همکلاسی هاش میامدن دنبال بچه هاشون، کمبود پدر را حس می‌کرد و گاهی حتی من را مقصر می‌دانست می‌گفت تو باعث شدی بابا بره. بعضی وقت‌ها که باباش زنگ می‌زنه می‌خواد باهاش حرف بزنه اینقدر احساس غریبی می‌کنه که میگه ای کاش بابا بی خیال من شه دیگه بهم زنگ نزنه.

عوامل حمایتی در برابر طلاق

ثبات در برنامه‌های روزانه کودک

نگار: به نظر من همین که بچه بدون تو فلان روز، فلان ساعت قراره بره پدرش رو ببینه و محل زندگی بچه عوض نشه برنامه‌های زندگیش تغییر نکنه، خیلی اثر داره

در کاهش آسیب‌های طلاق. بچه‌هایی که هم پدر دارند هم مادر و بهشون رسیدگی می‌کنند شرایطشون عادیه مثل بچه‌های دیگراست، هیچ فرقی نداره.

عاطفه: بهش می‌گفتم امیر علی، فردا بابا مهدی، قراره بیاد یعنی آمادگی می‌دادم. نباید این جور باشه که بچه بیهو مواجه بشه با یک برنامه. وقت‌هایی هم که دارم ازش جدا میشم بره خونه پدرش سعی می‌کنم زیاد خداحافظی را طول ندم که بغضم نگیره و احساس وابستگی نکنم که بچه‌ام به برنامه و قانون عادت کنه.

توجه به فواید طلاق

مهرناز: از نظر من بچه‌های طلاق پخته‌تر از بچه‌های دیگه بار می‌آیند چون سختی‌های زیادی می‌کشند اینها بعداً قدر زندگی مشترکشون رو بیشتر می‌دونن بیشتر سعی می‌کنند که مراقبت کنند از زندگیشون که به جدایی نرسه چون خودشون تجربه کردن و معمولاً این بچه‌ها در زندگی شون موفق ترن به خاطر تجربه‌ای که پیدا کردند و تأثیراتی که طلاق روشون گذاشته، این بچه‌ها در زندگی زناشوییشان خیلی محتاط‌تر و موفق‌تر عمل می‌کنند.

مهسا: پدر من خودشون معلم هستند و میگن در مدرسه شون شاگردای اینطوری هستن. در هر کلاسی شاید سه چهار نفر باشن که پدر و مادر شون از هم جدا شدن.

آذر: وقتی فرزندم بره مدرسه افراد زیادی را شبیه خودش می‌بینه و با این مسئله بهتر کنار می‌آید. ضمن اینکه خودش هم بزرگ شه در آینده خیلی چیزها را در رابطه با جدایی من و پدرش بهتر و بیشتر درک می‌کنه.

مریم: یکی از چیزهایی که بچه‌ها را تا حدودی آروم می‌کنه آینه که امثال خودشون را ببینند. مثلاً یکی از دوستان من هم با یک فرزند، جدا شده وقتی پیششون میریم بچه‌های من می‌بینند که آنها هم پدرشون نیست و کمی آروم میشن. یکی دیگه از کارهایی که من می‌کنم آینه که به آنها القا می‌کنم که ما

خیلی خوشبختیم. باباتون داره برای خودش زندگی می‌کنه ما هم داریم برای خودمان زندگی می‌کنیم. مهم آینه که ما سه تایی شاد باشیم و خوشبخت.

آذر: همیشه هم اینطوری نیست که بچه‌های طلاق همشون معتاد و خلافکار و دچار کمبود شخصیت از آب در بیان یا اتفاق بدی براشون بیافته. مثلاً همین مجری تلویزیونی (آقای ا.ع) فرزند طلاقه. بستگی داره فرزند طلاق چطوری بزرگ بشه.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر دیدگاه زنان نسبت به جدایی و آسیب‌های آن با تأکید ویژه بر نگرش ایشان نسبت به زندگی و آینده فرزندان خود به شیوه کیفی مطالعه شد. در این بخش به بررسی یافته‌های حاصل از پژوهش پرداخته خواهد شد.

یکی از عوامل زمینه‌ساز طلاق در پژوهش حاضر نداشتن مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی، مهارت حل مسئله برای مشکلات، عدم تفاهم و ناسازگاری میان زوجین می‌باشد که این یافته با نتیجه پژوهش تقوی دینانی و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد، مبنی بر اینکه فقدان مهارت حل مسئله و مهارت‌های کافی ارتباطی در زوجین برای حل مشکلات باعث می‌شود کوچک‌ترین مشکلات برای ایشان حل نشدنی به نظر برسد.

نقش شبکه‌های مجازی مانند اینستاگرام و استفاده نادرست از آن‌ها در ایجاد اختلاف بین زوجین و ایجاد زمینه جدایی آن‌ها از دیگر نتایج پژوهش حاضر بود که با پژوهش یاریگر روش، عامری، فرح بیجاری و دهشیری (۱۳۹۸) مبنی بر تأثیر استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های مجازی بر کاهش رضایت زناشویی و کاهش کیفیت ارتباط زوجین هماهنگی داشت.

وجود عوامل زمینه‌سازی چون ناتوانی در حل مشکلات، آزار کلامی و جسمانی همسر و فرزند از جمله عوامل زمینه‌ساز طلاق و همچنین احساس تنهایی و افسردگی و افکار منفی از جمله پیامدهای طلاق در پژوهش حاضر بود که با یافته‌های پژوهش حسینی، خزایی و غلامی (۱۳۹۸) هم سو بود. انتخاب ناآگاهانه و مؤلفه‌های آن از جمله نتایج بود

که با پژوهش تقوی دینانی و همکاران (۱۳۹۹) مبنی بر عوامل روان‌شناختی مؤثر بر طلاق در زمان قبل از ازدواج هماهنگ بود.

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، طلاق واقع‌های دردناک است که حتی در بهترین حالت، سلامت روانی اعضای خانواده به‌خصوص مادر را به خطر می‌اندازد. اضطراب و پریشانی، عدم حمایت مالی و عاطفی، سرگشتگی و بعضاً از دست دادن فرزند یا محدود شدن ارتباط با او (به دلیل زندگی اجباری با پدر از سن خاص به بعد) از جمله آسیب‌های طلاق برای مادران می‌باشد.

احساس تنهایی، عدم وجود تکیه‌گاه (جنس مخالف) در زندگی، فقدان حمایت مالی (تمبورینی، کوچ و رزنیگ^۱، ۲۰۱۵) و تغییرات خلقی از جمله آسیب‌های طلاق برای زنان بود که با یافته‌های حاصل از پژوهش تقوی دینانی، باقری و خلعتبری (۱۳۹۹) هم‌سو می‌باشد. تمامی این عوامل به‌علاوه انگ بیوگی و داغ‌ننگ (نگاه منفی جامعه به زنان مطلقه) و مسائل دیگری چون مشکلات مالی و مشکلات در تربیت فرزند با یافته‌های پژوهش همتی و کریمی (۱۳۹۷) و پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۸) همخوانی داشت.

در پژوهش حاضر حمایت دوستان و خانواده از فرد مطلقه یکی دیگر از یافته‌های حاصل‌شده بود که با مقوله دریافت حمایت از آشنایان در پژوهش خلج آبادی فراهانی، تنها و ابوترابی زارچی (۱۳۹۶) همخوانی داشت. یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر این بود که با توجه به قانون، مادران مطلقه‌ای که فرزند دارند و فرزندشان با خودشان زندگی می‌کند گاهی در صورت اقدام به ازدواج مجدد با مخالفت پدر فرزند (شوهر سابق) برای زندگی فرزند با مادر و تهدید پدر برای بازگیری فرزند مواجه می‌شوند، در نتیجه مجبور به ازدواج موقت و غیررسمی (صیغه) شده و یا مجبورند به خاطر زندگی با فرزند از ازدواج مجدد و تشکیل خانواده صرف‌نظر کنند که این مسئله خود مشکلاتی را به همراه دارد. این یافته با یافته پژوهش‌های خلج آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۶)، صادقی فسایی و ایثاری

1. Tamborini CR, Couch KA & Reznik GL

(۱۳۹۹) مبنی بر تن دادن زنان مطلقه به ازدواج موقت و ناپایدار هماهنگ بود، همچنین دریافت حمایت از دوستان و آشنایان، کنترل همه‌جانبه فرد مطلقه از جانب اعضای خانواده (به‌خصوص پدر و برادران، وضعیت ظاهری، مکان زندگی و زمان رفت‌وآمد)، احساس ناامنی و ترس از نگاه منفی فامیل و اطرافیان، همسان‌گزینی در معاشرت با دوستانی که شرایط مشابهی با افراد داشتند، یعنی از همسر خود جدا شده بودند، از دیگر یافته‌های این دو پژوهش بود که با ترجیح ارتباط با دوستان دارای شرایط مشابه (مطلقه) از سوی زنان مطلقه شرکت‌کننده در پژوهش حاضر همخوانی داشت.

مشکلات روان‌شناختی کودکان پس از طلاق، مانند افسردگی، اضطراب، مشکلات رفتاری و مشکلات با همسالان با نتایج پژوهش‌های کاویان، خجسته کاشانی و تهامی (۱۳۹۵)، کولین، شارلن و ولچیک^۱ (۲۰۱۵)، دو و ون^۲ (۲۰۱۵)، هاییمی و لرنر^۳ (۲۰۱۶)، جرمی^۴ (۲۰۱۵) مبنی بر وجود چنین مشکلاتی در فرزندان طلاق هماهنگ است. علی‌رغم این مشکلات، پختگی، مسئولیت‌پذیری و موفقیت بیشتر در زندگی زناشویی در فرزندان طلاق از جمله نتایجی است که با پژوهش حاجی‌حسینی و همکاران (۱۳۹۴) هماهنگی دارد. در این حیطه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش راد مهر، صادقی و موتابی (۱۴۰۰) همخوانی نداشت. در پژوهش ایشان که ابعاد رضایت زناشویی در متأهلین با و بدون سابقه طلاق والدین مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داده بود که افرادی که طلاق والدین را در دوران نوجوانی تجربه می‌کنند بیشتر درگیر مشکلات زناشویی والدینشان می‌شوند و انتظارات بدبینانه‌ای نسبت به ازدواج دارند. افراد با سابقه طلاق والدین سطوح رضایت زناشویی پایین‌تری نسبت به متأهلین بدون سابقه طلاق والدین را تجربه می‌کنند. علاوه بر این با توجه به اینکه متأهلین با سابقه طلاق والدین وجود هرگونه مشکل و اختلاف در رابطه زناشویی را به‌منزله پایان زندگی مشترک قلمداد می‌کنند، بنابراین ممکن است که انتظارات زناشویی خود را نادیده بگیرند.

1. Colleen, M, Carr & Sharlene, A

2. Du Plooy K & Van Rensburg E

3. Haimi, M & Lerner, A

4. Jeremy, A

به‌طور کلی، علی‌رغم آسیب‌های طلاق که به آن اشاره شد از نتایج دیگر به‌دست آمده در پژوهش حاضر، برخی فواید طلاق بود، برای مثال خروج از یک زندگی پر از مشکل و دغدغه می‌تواند باعث رشد پیشرفت فرد در جوانب مختلف زندگی شود. این یافته با پژوهش زارعی و همکاران، (۱۳۹۲) در این راستا همخوانی دارد. آماتو (۲۰۱۱) نیز اعتقاد دارد که بحران‌هایی مانند طلاق فرصتی برای رشد فرد محسوب می‌شود. عدم تمایل شرکت‌کنندگان برای افشای تمامی اطلاعات زندگی زناشویی گذشته از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

همان‌طور که ذکر شد عدم وجود تفاهم میان زوجین یکی از عوامل زمینه‌ساز طلاق می‌باشد. با توجه به این که تفاهم میان زوجین به معنای توانایی تحمل تفاوت‌هاست، لزوم برگزاری کلاس‌های آموزشی مهارت‌های زندگی زناشویی قبل از ازدواج برای یک ازدواج پایدار و سالم، ضروری می‌باشد؛ همچنین لزوم آموزش نحوه برخورد با چالش‌های ازدواج، تعارضات و اختلافات زناشویی به زوجین جهت سازگاری بیشتر آن‌ها و کاهش طلاق، توسط روانشناسان و مشاوران نیز مؤثر است. زمانی که جدایی اتفاق می‌افتد حق حضانت پس از هفت‌سالگی با پدر می‌باشد. از آنجایی که اکثر کودکان بیشتر اوقات خود را کنار مادر می‌گذرانند و مادر نقش محوری در تربیت فرزند دارد و نسبت به پدر با کودک ارتباط بیشتری دارد و بعضاً کودکان تا سن مذکور با مادر خود زندگی کرده‌اند، این جدایی از مادر لطمات جبران‌ناپذیری از لحاظ روان‌شناختی به کودک وارد می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود در صورت اعمال این قانون تبصره‌های بیشتری در راستای ادامه‌ی زندگی با مادر در صورت امکان و دیدار بیشتر مادر و فرزند ایجاد شود تا سلامت روانی مادر و فرزند به خاطر این جدایی آسیب نبیند.

پیشنهاد می‌شود پژوهشی شبیه پژوهش حاضر نیز با مردانی که طلاق را تجربه کرده‌اند انجام شود.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی موفقیت در زندگی زناشویی و رضایت زناشویی در میان فرزندان طلاق و افراد عادی مورد بررسی قرار گیرد؛ همچنین واکاوی عمیق‌تر

تجربه زیسته زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق؛ یاریگر روش | ۲۷۱

محدودیت‌ها و مشکلات زنان و فرزندان طلاق به‌خصوص از لحاظ ابعاد حقوقی توصیه می‌شود. توصیه می‌شود حمایت مالی و عاطفی از زنان مطلقه و فرزندانشان در سطح جامعه افزایش یابد.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. چاپ اول، تهران: نشر علم.
- اسکندری نژاد، خدیجه و فتحی آشتیانی، علی (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در دهه اخیر (مرور سیستماتیک). *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*, ۸(۱۴), ۵۳-۸۶
- تقوی دینانی، پرستو، باقری، فریبرز و خلعتبری، جواد (۱۳۹۹). "مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل روان‌شناختی مؤثر در طلاق". *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روان‌شناختی*, ۱۹(۸۶), ۲۱۳-۲۲۸.
- حاجی حسینی، مهرداد؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ فلسفی نژاد، محمدرضا و کلانتر کوشه، محمد (۱۳۹۴). "شناسایی واکنش‌های روان‌شناختی پسران به طلاق والدین: یک مطالعه کیفی". *نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت*, ۴(۳), ۳۱۴-۳۲۵.
- حامد، محبوبه و ذکائی، محمد سعید (۱۳۹۹). "تجربه زیسته فرزندان طلاق در شهر تهران". *فصلنامه رفاه اجتماعی*, ۲۰(۷۶), ۱۶۷-۲۰۶.
- حسینی، محمدرضا؛ خزایی سارا و غلامی، فاطمه (۱۳۹۸). "تجربه زیسته زنان مطلقه از احساس ناامنی در زندگی روزمره". *پژوهش‌نامه زنان*, ۱۰(۳۰), ۲۵-۵۲.
- خجسته مهر، رضا؛ فلاحی خشک‌ناب، مسعود؛ حجاری، سارا و سودانی، منصور (۱۳۹۶). "فرزندپروری پس از طلاق: یک پژوهش کیفی". *تحقیقات علوم رفتاری*, ۱۵(۲), ۲۳۹-۲۴۵.
- خلج آبادی فراهانی، فریده؛ تنها، فاطمه و ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۶). "تجربه زیسته زنان مطلقه شهر ساوه در حوزه روابط خانوادگی و اجتماعی". *زن در توسعه و سیاست*, دوره ۱۵، شماره ۲ و ۲۲۳-۲۴۰.
- خیراللهی، محمد؛ جعفری قمری، محمد و باباخانی، وحیده (۱۳۹۸). طراحی مدل پیش‌بینی انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات چرخه زندگی در زوجین متقاضی طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*, ۱۰(۳۹), ۱۵۷-۱۸۰.
- رادمهر، مریم؛ صادقی، منصوره سادات و موتابی، فرشته (۱۴۰۰). "مقایسه ابعاد رضایت زناشویی در متأهلین با و بدون سابقه طلاق والدین". *مجموعه مقالات نهمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران*, ۳۲۰-۳۱۷.

تجربه زیسته زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق؛ یاریگروش | ۲۷۳

روغنچی، محمود؛ جزایری، رضوان السادات؛ اعتمادی، عذری (۱۳۹۶). واکاوی آسیب‌های خانواده‌های مادر سرپرست: یک پژوهش کیفی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۸(۳۱)، ۷۸-۵۳.

زارعی، فاطمه؛ مرقاتی، خویی، عفت السادات؛ تقدیسی، محمدحسین؛ رجعتی، فاطمه؛ صلحی، مهناز؛ نجات، سحرناز؛ شجاعی زاده، داوود و رحمانی، اعظم (۱۳۹۲). "طلاق از دیدگاه زن مطلقه: پژوهش کیفی، نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت"، ۲(۳)، ۲۳۴-۲۴۷.

صادقی فسایی، سهیلا و ایثاری، مریم (۱۳۹۹). "تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی. زن در توسعه و سیاست"، ۱۰(۳)، ۵-۳۰.

غلامی، افسانه؛ رشید، خسرو و یار محمدی واصل، مسیب (۱۳۹۸). "تدوین پروتکل آموزشی رفتار با کودکان طلاق به مادرانشان و اثر آن بر رفتار مادران". دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۲۰(۳)، ۴۴-۵۴.

کاویان، مینا؛ خجسته کاشانی، امیر و تهامی، الهام (۱۳۹۵). "کمک‌های اولیه روان‌شناختی برای کودکان طلاق: یک مطالعه مروری". نشریه علمی رویش روان‌شناسی، ۵(۳)، ۱۸۵-۲۰۲.

همتی، رضا و کریمی، معصومه (۱۳۹۷). "زنان مطلقه و تجربه سرپرستی خانوار: یک پژوهش کیفی (نمونه موردی زنان مطلقه سرپرست خانوار شهر فارس)". پژوهش‌نامه زنان، ۹(۲۴)، ۱۸۱-۲۱۱.

یاریگروش، محیا؛ عامری، فریده؛ فرح بیجاری، اعظم و دهشیری، غلامرضا (۱۳۹۸). "رابطه استفاده آسیب‌زای مادران از شبکه‌های اجتماعی مجازی با مشکلات رفتاری کودکان. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان"، ۱۷(۱)، ۱۹۳-۲۱۸.

Arkes, J. (2015). "The temporal effects of divorces and separations on children's academic achievement and problem behavior". *J Divorce Remarriage*, 56(1): 25-42.

Colleen, M, Carr Sharlene, A. (2015). "Marital Status, Divorce, and Child Development". *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (Second Edition).

Du Plooy K, Van Rensburg E. (2015). "Young adults' perception of coping with parental divorce: a retrospective study". *Journal of Divorce and Remarriage*, 56(6): 490-512.

- Haimi, M & Lerner, A. (2016). "The Impact of parental separation and divorce on the health status of children, and the ways to improve it". *J Clin Med Genomics*, 4: 137.
- Jam, F. G. Maarefvand, M. Hosseinzadeh, S. & Khubchandani, J. (2021). The effectiveness of a co-parenting intervention on parenting stress among divorced Iranian adults. *Children and Youth Services Review*, 130, 106265.
- Jeremy, A. (2015). " The temporal effects of divorces and separations on children's academic achievement and problem behavior". *Journal of Divorce and Remarriage*, 56.
- Laird, J.) 2015). "effect of divorce on children's outcomes" [Online]. Available from: URL: <http://www.econ.ku.dk/Kalender/seminarerepru/21052015/>
- Lloyd GM, Sailor JL, Carney W. (2014). "A phenomenological study of post-divorce adjustment in midlife". *J Divorce Remarriage*, 55(6): 441-50.
- Mohi G. (2015). " Positive outcomes of divorce: A multi-method study on the effects of parental divorce on children". *The University of Central Florida Undergraduate Research Journal*, 7(2): 49-62.
- Parker, G. Durante, K. M. Hill, S. E. & Haselton, M. G. (2021). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current opinion in psychology*.
- Sun, Ang, Zhao, Yaohui. (2016). Divorce, abortion, and the child sex ratio:" The impact of divorce reform in China". *Journal of Development Economics*, Volume 120.
- Tamborini CR, Couch KA & Reznik GL. (2015). "Long-term impact of divorce on women's earnings across multiple divorce windows: A life course perspective". *Adv Life Course Res*, 26: 44-59.
- Yahyazadeh, H. & Hamed, mahboube. (2015). "Children of Divorce Issues in Iran and Related Interventions: A Meta-Analysis of Existing Articles". *Bi-Quarterly Journal of Women and Family Studies. Al-Zahra University Women's Research Institute*, Volume 3, Number, Pages 91- 120.

استناد به این مقاله: یاریگروش، مجیا. (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۰)، ۲۵۳-۲۷۴.

DOI: 10.22054/QCCPC.2022.62748.2761



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...